

Z. Pishgamifard
A. Sadeghi

E.mail: sadeghi173@yahoo.com

زهرا پیشگاهی فرد، دانشیار دانشگاه تهران

علی صادقی، دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران

شماره مقاله: ۸۱۱

شماره صفحه پیاپی ۱۶۸۸۵-۱۶۹۰۷

آرای احزاب در هشتمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در استان‌های کشور بر اساس سطح توسعه آنها

چکیده

از ویژگی نظام‌های مردم‌سالار، مشارکت مردم در فرآیند انتخاب نخبگان سیاسی جامعه است که با انتخاب مستقیم یا غیر مستقیم خود بر تصمیمات ملی و اجرایی کشور نظارت و تأثیر دارند. در ایران از انقلاب مشروطه به بعد، مردم امر نظارت و اثرگذاری رای و اندیشه خود بر تصمیمات ملی و حکومتی را با انتخاب نمایندگان مجلس انجام داده‌اند و در این فرآیند احزاب توانسته‌اند کم و بیش نقش ایفا کنند. نقش احزاب با توجه به فراز و فرود حضور آنها در عرصه‌های سیاسی قبل و بعد از انقلاب، بعضی از استان‌ها را بیش از سایرین متاثر ساخته که بنظر می‌رسد سطح توسعه استان‌ها در اثر پذیری از احزاب به‌عنوان یک متغیر، قابل توجه است. این مقاله، با مطالعه موردی روی هشتمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در پی آنست که رابطه میان سطح توسعه هر استان را با آرای احزاب در آن استان با استفاده از آمارهای موجود و مقایسه آنها بررسی کند. یافته‌های تحقیق نشانگر آنست که در استان‌های توسعه یافته احزاب به مفهوم واقعی آن، گستره‌ی فعالیت دارند و عامل موثر در انتخاب نماینده در بسیاری از استان‌های ایران رویکردهای ایدئولوژیک، مذهبی، قومی و قبیله‌ای است.

واژه‌های کلیدی: انتخابات، مجلس شورای اسلامی، احزاب، توسعه، مشارکت سیاسی

مقدمه

در نظام‌های دموکراتیک، مردم به صورت مستقیم و غیرمستقیم در تصمیمات حکومتی و تصویب قوانین دخالت دارند و بر سرنوشت خود و اقداماتی که باید در جامعه صورت بگیرد، تاثیر گذارند. برای این منظور در اغلب کشورهای جهان مجلس قانونگذاری تاسیس شده که افراد منتخب به نمایندگی عامه در آنجا حضور می‌یابند تا با تصویب قوانین، اهداف جامعه را پیش ببرند. انتخاب نمایندگان نیز بستگی به عوامل محلی و ملی دارد که برای این منظور کشور به چندین ناحیه به نام حوزه‌های انتخابیه تقسیم می‌گردد و به هر حوزه نیز نماینده یا نمایندگان اختصاصی می‌یابند. در تخصیص نمایندگان به مناطق مختلف کشور نیز معیارهای گوناگون و حتی المقدور عادلانه‌ای در نظر گرفته می‌شود.

ایران نیز از حدود یکصد سال پیش و با پیروزی نهضت مشروطه، گسترش مشارکت سیاسی در نظام‌های اجرایی و نهادهای مربوط به آن را تجربه کرده است و در تاریخ یکصد ساله قانونگذاری دموکراتیک خود شاهد چندین انتخابات با درجه بالایی از مشارکت مردم بوده است.

این مهم پس از پیروزی انقلاب اسلامی با توجه به رویکرد ایدئولوژیکی نظام و ویژگی‌های اقوام مختلف ساکن در فضای جغرافیایی کشور، با مشارکت بیشتری از مردم انجام شده است؛ چنانکه آمار و ارقام حاکی از مشارکت بیش از ۵۰ درصدی واجدین شرایط در هفت دوره انتخابات برگزار شده مجلس شورای اسلامی است. انتخابات هشتمین دوره مجلس شورای اسلامی در ۲۴ اسفندماه ۱۳۸۶ برگزار گردید. فضای سیاسی حاکم بر این دوره در چهار موج شکل گرفت: موج اول پیش از برگزاری انتخابات و در ارتباط با رد صلاحیت‌ها، موج دوم، تلاش برای جذب آرای مردم در روزهای پایانی سال، موج سوم در روز انتخابات که با دل‌نگرانی یا دلخوشی از پیروزی همراه بود و نهایتاً موج چهارم، پس از انتخابات که به اعتراض از تقلب و دستکاری در آرای و آمار مربوط بود.

آرای احزاب در هشتمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در استان‌های کشور بر اساس سطح توسعه آنها ۱۱۱

در این دوره تغییراتی نیز به لحاظ کیفی در شرایط نامزدی انتخابات شکل گرفته بود؛ به این صورت که سطح تحصیلات و فعالیت‌های سیاسی کاندیداها جزو شرایط نامزدی انتخابات اعلام شده بود. همچنین، تغییر سن رای‌دهندگان از ۱۵ به ۱۸ سال از نکات مهم این دوره از انتخابات بود.

در تحقیق حاضر، با شیوه توصیفی-تحلیلی و به صورت کتابخانه‌ای (اسنادی)، ضمن سطح‌بندی استان‌ها از نظر توسعه، این سوال مورد ارزیابی قرار گرفته است که: آرای احزاب در هشتمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در استان‌های دارای سطح توسعه متفاوت چگونه صورت می‌گیرد؟ در فرضیه اصلی متناظر با این سوال بیان می‌شود که حزب به مفهوم حقیقی آن تنها در استان‌های دارای سطح توسعه بالا فعالیت دارند و در اکثر استان‌ها ویژگی‌های ایدئولوژیک، مذهبی، قومی-قبیله‌ای و حتی تبلیغاتی در گزینش نامزدها موثر هستند.

روش و ضرورت تحقیق

تحقیق حاضر می‌کوشد با رویکردی توصیفی-تحلیلی به بررسی چگونگی کسب آرای احزاب در استان‌های کشور بر اساس سطح توسعه آنها در هشتمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی پرداخته، به مقایسه این عوامل در فضای سیاسی مناطق مختلف جغرافیای ایران پردازد. بدین منظور آمار مشارکت در انتخابات به صورت نمودارهای ترکیبی و جداول، با توجه به آمار موجود در وزارت کشور طراحی و تحلیل شده است.

مبانی نظری تحقیق

جغرافیای انتخابات (Electoral Geography) یکی از شاخه‌های مرتبط با جغرافیای سیاسی است که مطالعه درباره آن به قبل از جنگ جهانی اول (۱۹۱۸-۱۹۱۴م) باز می‌گردد (پیشگاهی‌فرد، ۱۳۷۴، ۴۳). طی پیدایش و اوج‌گیری پارادایم‌های مختلف جغرافیایی، شیوه‌های تحقیقاتی آن نیز با تحول مواجه بوده است. در کشورهای کمتر

توسعه یافته از جمله ایران به دلیل نوپا بودن رشته جغرافیای سیاسی، همچنین عمر نسبتاً کوتاه شکل‌ها و مجالس قانونگذاری، مطالعه و بررسی جغرافیای انتخابات سابقه چندانی ندارد (پیشگاهی فرد، ۱۳۸۷، ۱۰)^۱. جغرافیای سیاسی زمانی صرفاً به مطالعه ادعاها و منازعات انسانی در رابطه با استفاده، شراکت، مالکیت زمین و منابع آن توجه خاصی داشت و امروز همگام با تحولات به وجود آمده به دنبال یافتن ارتباط‌های روانی و عاطفی میان مردم و فضاهایی است که زندگی روزمره در آن جریان دارد. به همین دلیل، ورود جغرافیاهای انسان‌گرایانه و رفتاری باعث شد بیشتر به سیاست‌های ناشی از مکان توجه شود تا به موقعیت‌های خشک و بی‌روح جغرافیایی آن بر روی نقشه. دیدگاه فضایی در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ و تمایل به روش‌های کمی و مدل‌سازی به دلیل وسیع شدن شهرها و مسایل خاص شهرنشینی این فرصت را برای جغرافیدانان فراهم آورد که در رابطه با مکان‌یابی‌های صنعتی و کشاورزی، حمل و نقل شهری، کاربری‌های زمین و ... از استدلال‌های آماری و تحلیل‌های مبتنی بر اقتصاد و ریاضی بهره‌برداری کرده و یک نوع جغرافیای قانونمند را ارائه کنند.

در تشریح دوره انقلاب کمی و بهره‌گیری از کمیت‌ها در انتخابات، تیلور یادآوری می‌کند: ابتدا احزاب، سیاست دولت را تنظیم می‌کنند. سپس مردم برای حمایت از این سیاست بسیج می‌شوند و در سایه یک نظام رقابتی حزبی و توسعه آن اتکا به گروه‌های مخالف به وجود می‌آید که این گروه‌ها نوعاً به عنوان دولت‌های جایگزین تلقی می‌شوند. تیلور معتقد بود دو نوع جغرافیای انتخاباتی در حال حاضر وجود دارد: ۱- مطالعات عادی در زمینه جغرافیای رای‌گیری یا جغرافیای حمایت (Geography of Support) و ۲- مطالعات مدل‌های تجدید نظر شده مانند جغرافیای قدرت و تحقیق راجع به سرمایه‌گذاری-های گروه‌های فشار و پیامدهای سیاسی انتخابات (Geography of Power). جغرافیای انتخاباتی رایج در کشورهای کمتر توسعه یافته مجذوب انبوه داده‌های در دسترس است و

آرای احزاب در هشتمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در استان‌های کشور بر اساس سطح توسعه آنها ۱۱۳

بر جغرافیای حمایت متمرکز است، در حالی که جغرافیای قدرت کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد و منابع اطلاعاتی آن به ندرت در اختیار یک محقق است. احتمالاً دلیل حساسیت تیلور به نقش تعیین‌کننده احزاب سیاسی، وجود بعضی کشورها است که به جای فرد به حزب رای می‌دهند و هر حزبی که بتواند سهم معینی از آرای را کسب کند نماینده به پارلمان می‌فرستد و هر چه میزان آرای یک حزب بیشتر باشد، نماینده بیشتری در پارلمان دارد. نظام انتخابات احزاب نشان می‌دهد مدل‌های سیاسی با توجه به شرایط جغرافیایی فرض می‌کند که رای‌دهندگان تصمیم می‌گیرند که چه می‌خواهند و احزاب در صدد راضی کردن رای‌دهندگان بر می‌آیند (میرحیدر، ۱۳۷۹، ۲۱۵). شاید بتوان گفت احزاب عامل نسبتاً منفعلی هستند که نظر سنجی‌های خصوصی را ترتیب می‌دهند. آنها مسائل مهم جاری را شناسایی و سیاست‌ها را تعیین می‌کنند که آنان در چشم رای‌دهندگان در اکثر حوزه‌های انتخاباتی جذاب‌تر جلوه کنند.

الگوی پیشنهادی تیلور حاکی از روی آوری به جغرافیای قدرت و تحلیل پیامدهای سیاسی چگونگی هزینه‌سازی انتخابات است تا صرفاً مطالعه مکان‌های انتخاباتی که نمونه موفق این مدل تحقیق درباره چگونگی و دلایل انتخاب سناتور مک کارتی در سال ۱۹۵۲ در ایالات متحده آمریکا است. در این تحقیق، مشخص شد مک کارتی برخلاف روال معمول و رایج به دلیل فاصله‌ای که از محل اقامت خود داشته موفق به انتخاب از شهر ویسکانسین شد، در حالی که تحلیل‌های آماری و اطلاعات داده‌ها، قادر به یافتن این استنتاج مهم نبوده است. موضوع منافع حزبی نیز در محدوده جغرافیای قدرت و در مدل تجدید نظر یافته انتخاباتی از دیگر مسائل مورد نظر است؛ به طوری که در محدوده‌های انتخاباتی مسایلی از قبیل سوء استفاده از تعصب‌های انتخاباتی و اینکه چگونه جست و جوی متمرکز منافع حزبی در چارچوب فراهم آمده موقتی در نظام انتخاباتی به شکست آتی دولت‌ها در مقابله با مشکلات عدیده‌ای؛ همچون مسائل زیست محیطی، جمعیتی، برقراری عدالت و ... خواهد انجامید (میرحیدر، ۱۳۷۹، ۲۱۶).

از سوی دیگر، بسیاری از کشورهای جهان در دنیای متحول شده امروزی برای نهادینه کردن الگوهای مدنی و تشکیل نهادهای دولتی و مردمی با رای و نظر مستقیم مردم، انتخابات آزاد و سالم و متناسب با ساختارها و منافع ملی را سرلوحه کار خود قرار داده و برای اجرای دقیق این فرآیند مردمی در سالیان متمادی با کسب تجربیات متعدد توانسته‌اند به سطح بالایی از روش‌های نوین دسترسی یابند. بیشتر رای‌دهندگان ایده‌های خاصی نسبت به جامعه و دولت از لحاظ سازماندهی آرمانی دارند و بیشتر چنین رای‌دهندگان به حزبی وابسته هستند که به اعتقاد آنها به احتمال خیلی زیاد به چنین اهدافی در دراز مدت خواهند رسید. در نتیجه، چنین افرادی هر نوع اطلاعات و رویه‌های را که دریافت کنند با آرمان‌ها و ایده‌آل‌های خود می‌سنجند. گروهی که دیدگاه اقلیتی دارند، تمام اطلاعات و رویه‌های انتخاباتی را رد خواهند کرد و از انتخابات کناره‌گیری می‌کنند. بیشتر رای‌دهندگان اطلاعات را با اهداف خود مقایسه می‌کنند و به شکل‌های مختلفی نسبت به آن عکس‌العمل نشان می‌دهند. این احتمال وجود دارد که با اولویت‌های حزبی رای‌دهنده منطبق نباشد، در این وضعیت رای‌دهنده ممکن است اطلاعات ناخوشایند را ظاهراً نادیده بگیرد.

انتخابات مجلس شورای اسلامی

بررسی‌ها نشان می‌دهد در ۸ دوره انتخابات برگزار شده بیش از ۱۶۶ میلیون رای به صندوق‌های انتخابات مجلس ریخته شده که بیشترین آن در دوره هشتم با بیش از ۲۹ میلیون رای بوده است. با وجود این درصد مشارکت دوره پنجم با ۷۱ درصد در صدر قرار دارد.

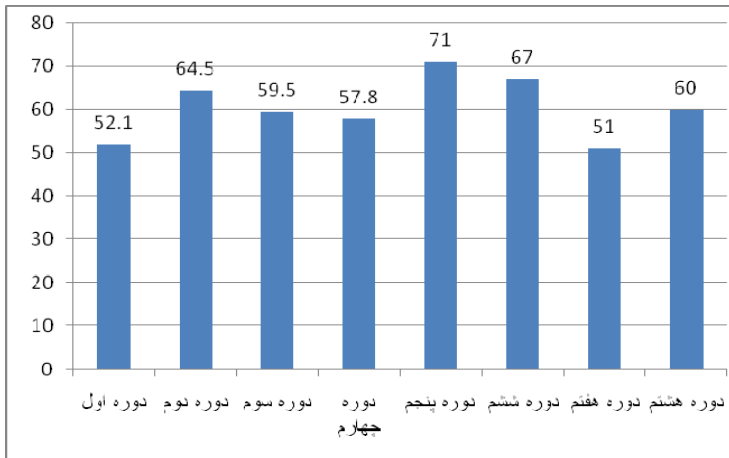
آرای احزاب در هشتمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در استان‌های کشور بر اساس سطح توسعه آنها ۱۱۵

جدول ۱: آرای مردم در هشت دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

دوره	تاریخ برگزاری	واجدین شرایط	میزان مشارکت	درصد
اول	۱۳۵۸/۱۱/۲۴	۲۰۸۵۷۳۹۱	۱۰۸۷۱۶۴۵	۵۲/۱
دوم	۱۳۶۳/۱/۲۶	۲۴۱۴۳۴۹۸	۱۵۸۲۲۰۷۰	۶۴/۵
سوم	۱۳۶۷/۱/۱۹	۲۷۹۸۶۷۳۶	۱۶۷۱۴۲۸۱	۵۹/۵
چهارم	۱۳۷۱/۱/۲۱	۳۲۴۶۵۵۵۸	۱۸۷۶۷۰۴۷	۵۷/۸۰
پنجم	۱۳۷۴/۱۲/۱۸	۳۴۷۱۶۰۰۰	۲۴۷۱۷۰۸۸	۷۱
ششم	۱۳۷۸/۱۱/۲۹	۳۸۷۲۶۴۳۱	۲۶۰۸۲۱۵۷	۶۷
هفتم	۱۳۸۲/۱۲/۱	۴۶۳۵۱۰۳۲	۲۳۴۳۸۰۳۰	۵۱
هشتم	۱۳۸۶/۱۲/۲۴	۴۹۴۳۱۲۶۵	۲۹۶۵۸۷۵۹	۶۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق با توجه به آمار وزارت کشور

با توجه به اینکه مجلس تنها نهاد قانونی است که دو وظیفه مهم قانونگذاری و نظارت را به عهده دارد، هر اقدام و عملی که دستگاه‌های دولتی و غیر دولتی انجام می‌دهند، مبنای قانونی دارد و این قانون از سوی مجلس تهیه و تصویب می‌شود و پس از آن نیز نظارت بر اجرای قانون و عملکرد دستگاه‌ها به عهده مجلس است؛ بر این اساس می‌توان خوب و بد کشور را محصول وجود قانون خوب یا بدی دانست که از سوی نمایندگان مجلس تصویب می‌شود.



نمودار شماره ۱: درصد مشارکت مردم در انتخابات مجلس شورای اسلامی

مأخذ: دفتر انتخابات وزارت کشور

انتخابات دوره هشتم مجلس شورای اسلامی

انتخابات هشتمین دوره مجلس شورای اسلامی با چند اتفاق همراه گردید. اعمال فشار غرب از طریق تصویب قطعنامه ۱۸۰۳ شورای امنیت که انتظار می‌رفت پیامد روانی آن، حضور مردم را تحت الشعاع قرار دهد. ورود برخی واژه‌ها از حوزه انتخابات در عرصه رسانه‌ها به ویژه رسانه ملی در این دوره چشمگیر بود. در این راستا می‌توان به واژه‌هایی چون اخلاق انتخاباتی، امنیت روانی انتخابات، انتخابات الکترونیکی و منابع مالی نامزدهای انتخاباتی اشاره کرد. از طرف دیگر، با توجه به اینکه بخش قابل توجهی از جوانان (افراد ۱۵ سال) که بر اساس قوانین پیشین حق رای داشتند، با تصویب طرح اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی در دی ماه ۱۳۸۵ و اعلام ۱۸ سال تمام، شرایط رای دادن را از دست دادند و به تبع آن نگرانی‌هایی در مورد احتمال کاهش میزان کاهش مشارکت مردم مطرح شد. همچنین، به دلیل مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم و نیز رد صلاحیت‌های گسترده، افت مشارکت در مناطقی که دارای آرای سیاسی هستند؛ از جمله تهران نمود بیشتری یافت. با این وجود مشارکت در این دوره حدود ۹ درصد نسبت به

آرای احزاب در هشتمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در استان‌های کشور بر اساس سطح توسعه آنها ۱۱۷

دوره قبل افزایش داشت. در دوره هفتم مجلس درصد مشارکت در حدود ۵۱ درصد بود که در دوره هشتم میزان مشارکت به ۶۰ درصد و در دور دوم از ۲۱ درصد مجلس هفتم به ۲۶ درصد در مجلس هشتم رسید.

جغرافیای انتخابات و احزاب سیاسی

وجود احزاب سیاسی و نقش آفرینی حزبی از پدیده‌های قطعی در جغرافیای انتخابات است. اندیشه تحزب در اصل حرکت جمعی برای ابراز موافقت یا مخالفت نسبت به شیوه کار حکومت در سرزمین ریشه دارد. در دنیای مدرن ریشه احزاب سیاسی امروزی را باید در تاریخ مبارزه جمعی گروه‌ها برای دست یافتن به ارکان دولت پیگیری کرد. این مبارزه برای دسترسی به قدرت معمولاً در قانونگذاری‌هایی که برای مشورت با پادشاهان وضع شدند، صورت می‌گرفت. در جغرافیای سنتی انتخابات، احزاب سیاسی را می‌توان به دو گونه تعریف کرد؛ نخست اینکه حزب عامل نمایان‌کننده دسته بندی‌ها میان تمایلات سیاسی در جامعه است، دوم اینکه حزب مکانیزم خریداری و جمع‌آوری آرای مردم برای حکومت است. در هر دو تعریف: حزب سیاسی به واقعیت یافتن نقش آفرینی دموکراسی از راه انتخابات کمک می‌کند. بدین ترتیب، حزب در مقام یک عامل جغرافیایی - سیاسی تحریک‌کننده و سازمان‌دهنده اراده سیاسی مردم است و نقش مکانیزمی را پیدا می‌کند که اراده مردم را به گونه قدرت سیاسی در می‌آورد و به حکومت منتقل می‌کند و پشتیبانی مردمی را برای حکومت تضمین می‌کند. در این نقش آفرینی حزب هم قدرت سیاسی را در جامعه شکل می‌دهد و هم پشتیبانی سیاسی جامعه نسبت به حکومت را واقعیت می‌بخشد (نشریه منشور، ۱۳۸۵، ۱۰۴). بعبارتی احزاب می‌توانند در برخی موقعیت‌ها از طریق فراهم آوردن ایدئولوژی، رهبری و یا فرصت‌هایی برای مشارکت سیاسی و یا ترکیبی از این سه، برای دولت مشروعیت فراهم نمایند (اسمیت، ۱۳۸۰، ۲۵).

شکل‌گیری احزاب سیاسی در ایران

در تاریخ ایران سه جریان بزرگ را سبب شکل‌گیری احزاب سیاسی می‌دانند: جریان ملی، جریان مذهبی و جریان چپ. گرچه پیش از احزاب نیز انجمن‌ها و فرقه‌ها به گونه‌ای منسجم به فعالیت سیاسی در ایران می‌پرداختند.

۱- جریان ملی: خاستگاه ملی‌گرایی (ناسیونالیسم) در ایران متفاوت از اروپاست. ناسیونالیسم در غرب در ارتباط با تحولات و تطورات چندی در زمینه‌های عینی و ذهنی بود. اما ناسیونالیسم در ایران از اندیشه تجدد و ملزومات عینی و ذهنی آن به دور بود و علی‌رغم بهره‌گیری از پیشینه‌های تاریخی تحت تأثیر تحولات جهانی و شیوع ناسیونالیسم به دیگر کشورهای خارج از اروپا شکل گرفت و رشد و نمو کرد. ناسیونالیسم ایرانی برای از بین بردن نفوذ سیاسی-اقتصادی بیگانگان که به منزله وسیله‌ای برای اثبات مجدد استقلال ملی و بهبودی و رفاه مردم ایران به شمار می‌رفت، حرکتش را آغاز کرد و بتدریج این حرکت به شکل یک حرکت مردمی برای تغییر ساختار درآمد(مدیر شانه چی، ۱۳۸۲، ۳۵). خواسته‌های عمده این جریان را که بیشتر طبقه متوسط جدید جامعه را در بر می‌گرفت می‌توان تجدید هویت و سنت‌های ملی ایران، منع دخالت روحانیون در سیاست، تاسیس نهادهای سیاسی بر اساس حاکمیت ملی و ایجاد مبانی دولت ملی مدرن بجای دولت‌های سنتی و کاریزماتیک دانست (بشیریه، ۱۳۸۱، ۲۴).

۲- جریان مذهبی: روحانیت شیعه در ایران از عصر صفیه به بعد یکی از نیروهای سیاسی عمده و بانفوذ به شمار می‌رفته و در مقام مقایسه با دیگر گروه‌های اجتماعی از شأن و حقوق و مصونیت اجتماعی ویژه‌ای برخوردار بوده است. از لحاظ فکری بویژه تکوین نهاد اجتهاد و تقلید و غلبه مجتهدان اصول بر اخباریون بر قدرت و اقتدار علما در آن دوره افزود(بشیریه، ۱۳۸۱، ۱۷). حرکت اسلامی با تنش میان دولت و علما در عصر قاجار و اعتراض روحانیون به تغییر نظام آموزشی، اداری، قضایی، اصلاحات به سبک غرب، مداخله بیگانگان، واگذاری امتیازات به خارجی‌ان، مخالفت با بدعت‌های باب و حرکت‌های ملهم از او و تحدید قدرت و اختیارات روحانیت آغاز شد و پا به پای افکار

آرای احزاب در هشتمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در استان‌های کشور بر اساس سطح توسعه آنها ۱۱۹

پان اسلام‌مستی سید جمال و یاران او که به حرکت و اعتراضات روحانیون، نیرو و توان جدیدی می‌داد، تداوم یافت و علاوه بر آن که خود بصورت یک نهاد یا تشکل از طریق مساجد و مدارس مذهبی عمل می‌کرد، گهگاه به صورت احزاب با تشکیلات سیاسی رسمی و غیررسمی نیز نمود می‌یافت که نمونه آن در حزب اعتدالی پس از پیروزی مشروطه و تشکیل مجلس و افکار حزبی کسانی چون بهبهانی متجلی شد.

۳- جریان چپ: جریان فکری چپ در دوره مشروطه در پیوند مشروطه‌طلبان و مبارزان ایرانی با انقلابیون قفقاز شکل گرفت. قفقاز و نواحی مختلف آن از جمله آذربایجان، ارمنستان و گرجستان در پیوندی دوگانه با روسیه و ایران از یکسو همگام با روسیه در معرض انقلابی ملهم از اندیشه‌های چپ و کارگری قرار داشت و از سوی دیگر، به عنوان پلی میان اروپا و آسیا، افکار انقلابی و چپ برخاسته از مرکز و شرق اروپا را به ایران و بویژه صفحات شمال غربی کشور که در مجاورت آن سرزمین قرار داشت، انتقال می‌داد. از این رو، نخستین حرکت‌ها و تشکیلات سیاسی چپ نیز در گیلان و آذربایجان و سپس در تهران و سایر نقاط شکل گرفت. حزب توده نماد نیروهای چپ است، اما از آنجا که از طرف بیگانگان تغذیه می‌شد، خود را در مقابل نیروهای ملی قرار داد و در جذب نیروهای مذهبی نیز موفقیت به دست نیاورد (قاسمی، ۱۳۸۴، ۳). احزاب ایران، به علت وضع خاص طبقات اجتماعی در ایران با احزاب اروپایی فرق داشتند؛ یعنی احزاب سیاسی کمتر به طبقات اجتماعی جامعه وابسته بودند و اساس رقابت حزبی آنها ایدئولوژیک بود (اتحادیه، ۱۳۶۱، ۱۱).

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و ادامه جریان احزاب، در یکسو طیف ملی-مذهبی با افرادی چون بازرگان، سحابی و سنجایی و ... و در سوی دیگر، طیف دینداران روحانیت شکل گرفت. در جریان مجلس دوم و سوم طیف ملی-مذهبی کنار گذاشته شد و از طیف روحانیت شاخه‌ای دیگر به نام روحانیون شکل گرفت. این دو طیف در جریان برگزاری انتخابات مجلس ششم به اوج رقابت رسیدند. به عبارتی، در ایران حزب و رقابت حزبی مفهومی گسترده‌تر و فراگیرتر پیدا نمود.

احزاب سیاسی و آرایش انتخاباتی در هشتمین دوره انتخابات مجلس

از ویژگی‌های عمده مجلس این است که در تمامی دوره‌ها، برخلاف دیگر قوا هیچ‌گاه به طور مطلق یکدست و یا خالی از حضور جریان رقیب نبوده است. بر این اساس، انتخابات مجلس همواره از مهم‌ترین رقابت‌های انتخاباتی در کشور است. به علت عدم وجود ساختار حزبی در کشور به سادگی نمی‌توان از تعداد ائتلاف‌ها و جریان‌های سیاسی سخن گفت. در این دوره، همانند رقابت‌های گذشته به رغم حضور گسترده احزاب و ائتلاف‌ها، همچنان شخصیت‌های برجسته نقش محوری را در جریان‌سازی ایفا کردند. ائتلاف بزرگ اصلاح‌طلبان بر مبنای شورای هماهنگی جبهه اصلاحات با محوریت سید محمد خاتمی، حزب اعتماد ملی با محوریت مهدی کروبی، جبهه متحد اصولگرا بر مبنای ائتلاف میان جبهه پیروان خط امام و رهبری، حامیان دولت و اصولگرایان جدید و... را می‌توان نام برد.

ائتلاف فراگیر اصولگرایان، جبهه متحد اصولگرا، ائتلاف اصلاح‌طلبان، حزب اعتماد ملی و طیف اعتدال و توسعه از احزاب مهم این دوره بودند که دارای اشتراکات زیادی با هم بودند. رقابت میان ۹۴ نفر در قالب ۵ فهرست بود که اصولگرایان دارای ۹ اشتراک و اصلاح‌طلبان دارای ۱۵ اشتراک بودند و طیف اعتدال با هر دو جناح بیش از ۱۰ اشتراک داشت. اصلاح‌طلبان در این دوره به علت رد صلاحیت‌های گسترده نتوانستند، فهرست خود را در استان‌های مختلف کامل کنند.

بررسی وضعیت استان‌های مختلف از نظر سطح توسعه انسانی

توسعه فرآیندی است که کوشش‌های مردم و دولت را برای بهبود اوضاع اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی هر محل هماهنگ کند، مردم را در زندگی یک ملت ترکیب نماید و آنها را برای مشارکت در پیشرفت ملی توانا سازد (آقا بخشی و افشاری‌راد، ۱۳۷۹، ۱۵۷). یا آنگونه که سیف الدینی می‌گوید: توسعه فرآیند بهبود بخشیدن به کیفیت زندگی همه مردم است (سیف الدینی، ۱۳۸۱، ۱۳۱).

آرای احزاب در هشتمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در استان‌های کشور بر اساس سطح توسعه آنها ۱۲۱

در کشورهای در حال توسعه، بعضی از نواحی به دلیل سرمایه‌گذاری‌های فراوان، توسعه یافته و نواحی دیگر کمتر توسعه یافته‌اند، بدین صورت، که نابرابری‌های مکانی - فضایی زیادی در داخل محدوده ملی مشاهده می‌شود (نوروزی، ۱۳۸۳، ۳۸). نمونه دیگری از نابرابری قلت فقر در نواحی مرکزی ایران است که توسعه یافته‌تر هستند و شهرهای بزرگتری دارند، بسیار کمتر مشهود است. استان‌های شمالی، سه استان شمال غرب ایران و سه استان در حاشیه خلیج فارس میزان متوسطی از نرخ فقر را نشان می‌دهند. استان‌های غربی و استان‌های بیابانی شرق ایران بیشترین میزان فقر را نشان می‌دهند (قاسمیان، ۱۳۸۴، ۳۴۸).

عدالت سرزمینی و توسعه متوازن مناطق مختلف کشور از نظر جغرافیای سیاسی باعث تقویت نیروهای همگرا و تضعیف نیروهای واگرا می‌شود (مویر، ۱۳۷۹، ۲۰۸). از دید امنیتی نیز یکی از عوامل واگرا در یکپارچگی ملی که زمینه حضور و فعالیت بیگانگان را فراهم می‌سازد، وجود شکاف در بین طبقات اجتماعی و در سطح مناطق است که نتیجه آن شکل‌گیری روحیه انتقام، خشونت و در نهایت بی‌ثباتی در کشور و منطقه است (بریمانی، ۱۳۷۹، ۱۱۳).

شرایط جغرافیایی ویژه ایران از جمله: گسیختگی توپوگرافیک، ویژگی‌های آب و هوایی، نا امنی طبیعی فضا و دوری فاصله از مرکز بر وضعیت توسعه استان‌ها به طور عام و توسعه انسانی به طور خاص تاثیرگذار بوده است. به دلیل نبود فرهنگ برنامه‌ریزی در آمایش سرزمین در سطوح منطقه‌ای و ناحیه‌ای از یک سو و وجود ساختار سیاسی و اداری متمرکز در نظام حکومت، همچنین غلبه سیاست‌های اقتصادی و افزایش جمعیت در دهه‌های گذشته، فرآیند توسعه در سطح فضای کشور متعادل نبوده است. این امر از یکسو قطب‌های بزرگ شهری و مناطق توسعه یافته و از سوی دیگر، فضاهای محروم، حاشیه‌ای و عقب مانده را بوجود آورده است (حافظنیا، ۱۳۸۱، ۸۰). بعضی از مناطق و استان‌ها بستر مناسب‌تری را جهت توسعه دارند و اقلیم و جغرافیای مساعدتری دارند، ولی این مساله توجیه مناسبی برای پذیرفتن نابرابری‌های بیش از حد بین مناطق و استان‌ها نیست، بلکه با

درک قابلیت‌ها و محدودیت‌های هر منطقه می‌توان زمینه را برای توسعه مناطق مختلف با شرایط محیطی متفاوت فراهم کرد، اگر چه ممکن است مستلزم هزینه‌های بیشتری در بعضی مناطق باشد. اگر چه حذف همه نابرابری‌ها در میان استان‌ها شاید بطور کامل امکان‌پذیر نباشد، ولی وجود نابرابری‌ها و شکاف زیاد میان استان‌ها نیز امری نامعقول است که پیامدهای منفی فراوانی را برای همه استان‌ها در پی داشته و خواهد داشت (راستی، ۱۳۸۵، ۸۸). برای سنجش و معرفی سطح توسعه استان‌ها مؤلفه‌ها و عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، علمی و حتی فرامرزی وجود دارد که با محاسبه و تعیین آنها می‌توان سطوح سلسله مراتبی توسعه در استان‌ها را مشخص نمود. برای محاسبه سطح توسعه در استان‌های کشور، شاخص‌های ذیل بررسی شد:

نمودار شماره ۲: شاخص‌ها و متغیرهای مورد بررسی در تعیین سطح توسعه استان‌ها

شاخص مورد نظر	متغیرهای مورد بررسی در هر مورد
اقتصادی	تعداد افراد شاغل، بار تکفل، درصد بیکاری، تعداد کارخانه‌ها و صنایع موجود در استان، تولیدات صنعتی و کشاورزی استان، تعداد جهانگرد و توریست وارده به استان
اجتماعی	تعداد جمعیت، جمعیت برخوردار از امکانات بهداشتی، تعداد تخت بیمارستانی به ازای هر هزار نفر، درصد افراد باسواد، تعداد پزشک به ازای هزار نفر، درصد شهرنشینی
فرهنگی	تعداد روزنامه‌های منتشره در استان، استفاده از اینترنت به ازای هزار نفر، تعداد رایانه شخصی، تعداد تلفن ثابت و همراه به ازای هزار نفر
علمی و فناوری	تعداد دانشگاه‌های استان، تعداد دانشجویان، تعداد مجله‌های علمی و پژوهشی، تعداد کتب منتشره

نگارندگان (با استناد به آمار موجود در سامانه مرکز آمار ایران)

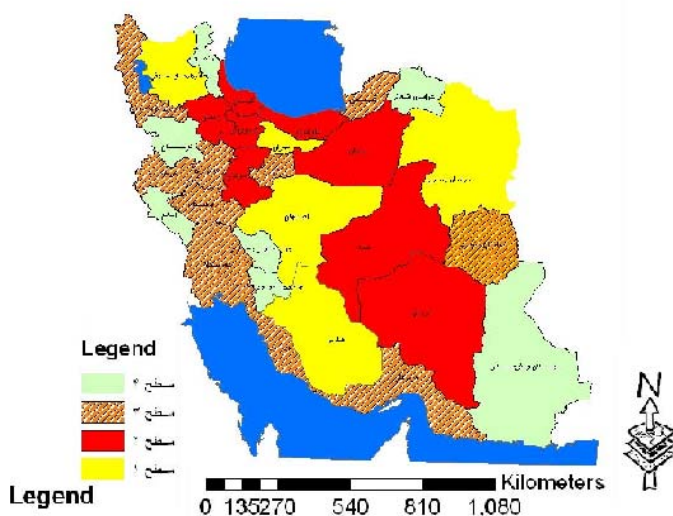
در کنار موارد فوق، عوامل مادی و معنوی بسیاری در تعیین سطح توسعه یک استان مؤثرند که قابل سنجش نیستند. از جمله می‌توان به عضویت افراد در امور اجرایی هر استان، تعداد نماینده، تجانس یا عدم تجانس فرهنگی مردم در یک استان، تعدد اقوام در استان و ... اشاره کرد. اما اهتمام این پژوهش در به دست آوردن بهترین نتیجه به واقعیت

آرای احزاب در هشتمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در استان‌های کشور بر اساس سطح توسعه آنها ۱۲۳ بوده است. پس از بررسی و ارزیابی شاخص‌های مورد نظر که از سالنامه‌های آماری و منابع آماری جدید استخراج گردیده است، استان‌های کشور از نظر توسعه انسانی در چهار سطح به شرح زیر دسته‌بندی شدند:

نمودار شماره ۳: دسته‌بندی استان‌های کشور بر اساس شاخص‌های توسعه

سطح	استان‌های قرار گرفته در هر سطح
سطح یک	تهران- اصفهان- آذربایجان شرقی- خراسان رضوی- فارس
سطح دو	مرکزی- کرمان- یزد- سمنان- مازندران- گیلان- قزوین- زنجان
سطح سه	خراسان جنوبی- گلستان- آذربایجان غربی- کرمانشاه- خوزستان- بوشهر- هرمزگان- همدان- قم- لرستان
سطح چهار	سیستان- خراسان شمالی- کردستان- ایلام- چهارمحال و بختیاری- کهگیلویه و بویراحمد- اردبیل

نگارندگان: با توجه به یافته‌های تحقیق



نقشه شماره ۱: نقشه استان‌های کشور بر اساس سطح توسعه

ترسیم: نگارندگان با استناد به آمار موجود در سامانه مرکز آمار ایران

تجزیه و تحلیل

رفتار رای مردم در انتخابات بستگی به عملکرد گذشته احزاب دارد. انتخابات هشتم نشان داد که مردم به شعارهای ارائه شده از سوی احزاب اعتماد ندارند. اگر بنا به تعبیری مقارن بودن انتخابات با ایام نوروز را یکی از دلایل کاهش مشارکت در انتخابات فرض کنیم، به وضوح می‌توان مدعی شد نتایج انتخابات بیانگر این است که پرداختن مردم به مشکلات معیشتی و اقتصادی و پرداختن به امور رفاهی و تفریحی چون تعطیلات نوروز جایگاهی اساسی در افکار آنان داشته است.

استان‌های واقع در سطح یک از نظر توسعه:

از تحلیل آرا در استان‌های کشور دریافتیم که در استان‌های واقع در سطح یک توسعه، جبهه متحد اصولگرایان با ۳۷ نماینده، بیشترین درصد آرای را بخود اختصاص داده‌اند. پس از آن کاندیداهای مستقل با ۲۷ نماینده قرار دارند. کاندیداهای مشترک جبهه متحد و فراگیر اصولگرا با ۲۸ نماینده در رده سوم قرار دارند. اما نکته درخور توجه این که بین تعداد نمایندگان منتخب در احزاب فراگیر اصولگرا (۱۵ نماینده) و اصلاح‌طلب (۱۴ نماینده) تفاوت زیادی به چشم نمی‌خورد. این نکته از آرای این استان‌ها نیز استنباط می‌شود که ارائه فهرست‌های جداگانه اصولگرایان در به دست آوردن اکثریت آرای تاثیر قابل توجهی دارد. با توجه به اینکه بیشترین کاندیدا در استان تهران (واقع در سطح یک توسعه) بوده، کمترین درصد مشارکت در این استان بوده است که کمترین نماینده از جناح اصلاح‌طلب انتخاب شده‌اند.

استان‌های دارای سطح دو از نظر توسعه

نامزدهای با گرایش اصلاح‌طلب، بیشترین درصد آرای را بخود اختصاص داده‌اند (۱۵ نفر). در این گروه از استان‌های کشور پس از کاندیداهای اصلاح‌طلب، کاندیداهای مشترک جبهه متحد اصولگرا و فراگیر با ۱۵ منتخب دومین گروه راه یافته به مجلس

آرای احزاب در هشتمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در استان‌های کشور بر اساس سطح توسعه آنها ۱۲۵

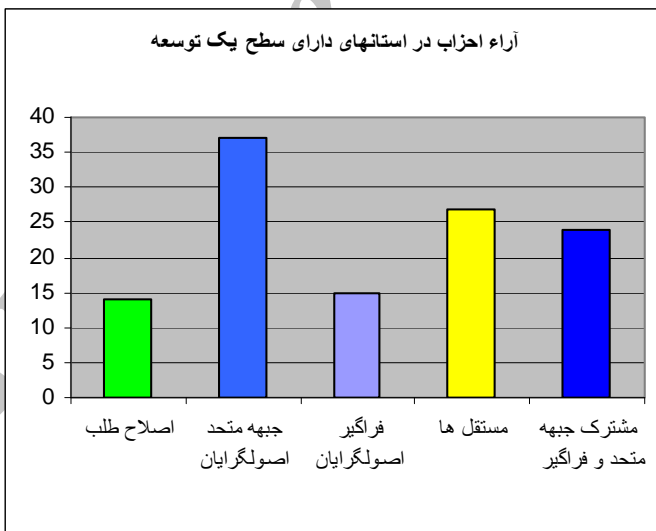
بودند. جبهه متحد اصولگرایان با ۱۳ نماینده و سپس مستقل‌ها با ۱۱ نماینده و در نهایت فراگیر اصولگرایان با ۸ نماینده قرار دارند. آمار درخور توجه در این گروه مربوط به استان کرمان است که با انتخاب ۵ نماینده بیشترین نماینده از جناح اصلاح‌طلب را روانه مجلس نموده است. استان کویری یزد نیز از چهار نماینده منتخب خود هیچ نماینده‌ای از اصولگرایان را در لیست خود جای نداد، بلکه دو نماینده (نیمی از انتخاب‌ها) را از اصلاح‌طلبان برگزید (یک نماینده مستقل و یک نفر مشترک انتخاب شد). استان مازندران نیز در این گروه سه نماینده اصلاح‌طلب را در کارنامه منتخبان خود جای داد که با اصولگرایان برابر است. استان قزوین هم دو نماینده اصلاح‌طلب و سه نماینده مشترک را برگزید، درحالی که هیچ نشانی از کاندیداهای اصولگرا در منتخبان این استان دیده نمی‌شود. استان زنجان از شش نماینده خود، دو نماینده را از جناح اصلاح‌طلب برگزید در حالی که به هیچ نماینده جبهه متحد و ائتلاف فراگیر اعتماد نکرد و سه نماینده خود را از بین کاندیداهای مستقل برگزید (یک نفر باقیمانده مشترک اصولگرایان بود). اینها افزایش تعداد نمایندگان اصلاح‌طلب در این گروه از استان‌های کشور را سبب شده است.

استان‌های واقع در سطح سوم از نظر توسعه

مستقل‌ها با ۲۷ نماینده بیشترین تعداد را روانه مجلس هشتم کردند و پس از آنها جبهه متحد اصولگرایان با ۱۸ نماینده و سپس فراگیر اصولگرایان با ۱۵ نماینده و مشترک جبهه متحد و فراگیر با ۱۰ نماینده قرار دارند. کمترین نماینده در استان‌های این گروه به احزاب اصلاح‌طلب تعلق دارد (۶ نماینده). این امر می‌تواند در کنار سایر عوامل، ناشی از وعده‌ها و شناخت مردم در استان‌های محروم کشور از نمایندگان اصولگرا باشد. در این استان‌ها رقابت حزبی و شناخت احزاب اثر چندانی نداشته است و درباره میزان آرای مردم و مشارکت آنان می‌توان گفت رقابت‌های قومی و قبیله‌ای و رویکردهای مذهبی مردم تاثیر بیشتری داشته است.

استان‌های با سطح ۴ توسعه (محروم)

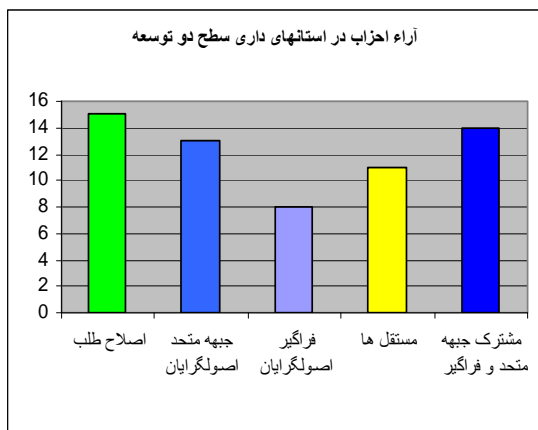
در این گروه مستقل‌ها بیشترین نماینده را دارند (۱۵ نفر) و تفاوت چندانی بین نمایندگان احزاب اصولگرا و اصلاح طلب مشاهده نمی‌شود. می‌توان گفت: با عنایت به این که آرای این گروه بیشتر بر اساس گرایش‌های قومی- قبیله‌ای صورت می‌گیرد، بیشترین تعداد را افراد مستقل به دست آوردند. از سوی دیگر، استان‌هایی چون: سیستان، ایلام، کردستان، چهار محال و بختیاری در افزایش تعداد آرای اصلاح طلبان نسبت به جبهه متحد تاثیرگذار بودند که می‌توان استقبال مناطق حاشیه‌ای و مرزی کشور از اصلاح طلبان را استنباط کرد. شاید بتوان نارضایتی‌های سیاسی مردم و گرایش‌های مذهبی (مذهب سنی) را عاملی موثر در عدم کسب آرای جناح حاکم (اصولگرایان) دانست (قابل توجه اینکه این استان‌ها در انتخابات ریاست جمهوری نهم نیز به همین شیوه عمل کردند).



نمودار شماره ۴: آرای احزاب در استان‌های دارای سطح یک از نظر توسعه

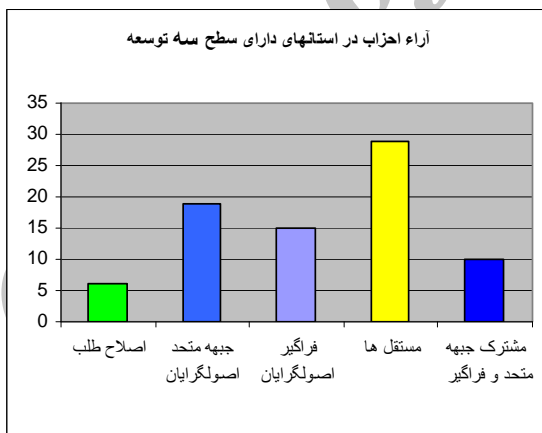
نگارندگان، با استناد به آمار دفتر انتخابات وزارت کشور

آرای احزاب در هشتمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در استان‌های کشور بر اساس سطح توسعه آنها ۱۲۷



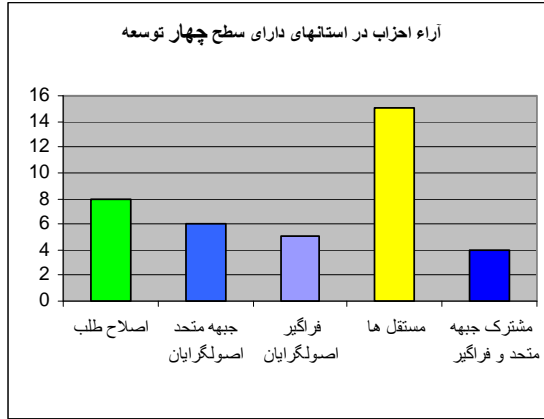
نمودار شماره ۵: آرای احزاب در استان‌های دارای سطح دو از نظر توسعه

نگارندگان، با استناد به آمار دفتر انتخابات وزارت کشور



نمودار شماره ۶: آرای احزاب در استان‌های دارای سطح سه از نظر توسعه

نگارندگان، با استناد به آمار دفتر انتخابات وزارت کشور



نمودار شماره ۷: آراء احزاب در استانهای دارای سطح چهار از نظر توسعه

نگارندگان، با استناد به آمار دفتر انتخابات وزارت کشور

نتیجه گیری

مجلس خانه ملت و نهاد قانونگذاری و محلی برای تعیین سرنوشت مردم است. بدون تردید، همه امور ریز و درشت کشور به استناد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران باید در این نهاد تصویب شود. از آنجایی که با تشکیل مجلس رقابت برای به دست آوردن کرسی‌های آن و در نهایت به دست گرفتن امور اجرایی و اداری کشور مورد توجه احزاب مختلف قرار گرفته است، شاهد اثرگذاری هرچند کم و ناقص احزاب بر چگونگی آراء مردم هستیم.

رفتار رای مردم در انتخابات هشتم نشان می‌دهد عواملی چند در حضور و دیدگاه آنان نسبت به احزاب تاثیرگذار بوده است:

- تعیین صلاحیت کاندیداهایی با گرایش‌های متفاوت سیاسی در بسیاری از شهرهای بزرگ و مراکز استان‌ها بر میزان مشارکت مردم تاثیرگذار است.

- حزب به مفهوم واقعی آن، در بسیاری از حوزه‌های انتخابیه کشور ما قادر به فعالیت نیست و عامل تعیین کننده بر جهت گیری آراء، مسائل قومی و قبیله‌ای و رویکردهای

آرای احزاب در هشتمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در استان‌های کشور بر اساس سطح توسعه آنها ۱۲۹ مذهبی صرف است. بر این مبنای، در مناطق کمتر توسعه یافته خواستگاه آرای مردم همچنان مذهبی و قومی-مکانی و بدور از هر گونه آرایش سیاسی می باشد. - خاستگاه رای مردم بر چگونگی آرای مردم تاثیرگذار بوده است. هنوز در مکانهای زیادی؛ وعده و وعیدهای کاندیداها بر جهت گیری آرای تاثیرگذار است.

منابع

- ۱- آقابخشی، علی. افشاری راد، مینو. (۱۳۷۹). فرهنگ علوم سیاسی. نشرچاپار. تهران
- ۲- آمار انتخاباتی دوره‌های مختلف مجلس شورای اسلامی. دفتر انتخابات وزارت کشور.
- ۳- بریمانی، فرامرز. (۱۳۷۹). «بعاد فراموش شده جمعیت در دفاع و امنیت ملی». مجموعه مقالات همایش جغرافیا. دانشگاه امام حسین (ع).
- ۴- بشیریه، حسین. (۱۳۸۱). دیپاچه ای بر جامعه شناسی سیاسی ایران. نشر نگاه معاصر، چاپ اول.
- ۵- پرونده ۲۴ انتخابات در جمهوری اسلامی. (۱۳۸۲). نمایه نشریات.
- ۶- پیشگاهی فرد، زهرا. (۱۳۷۲). «جغرافیای انتخابات». مجله پژوهش‌های جغرافیایی. شماره ۳۳. موسسه جغرافیا دانشگاه تهران.
- ۷- پیشگاهی فرد، زهرا. (۱۳۸۲). «مشارکت احزاب در توسعه سیاسی و رفتار انتخاباتی در شهرستان اصفهان». مجله پژوهش‌های جغرافیایی. شماره ۴۴. موسسه جغرافیا دانشگاه تهران.
- ۸- پیشگاهی فرد، زهرا. سایت رسمی دکتر. مقالات علمی پژوهشی. <http://drfard.com>.
- ۹- _____ (۱۳۸۷). جزوه درسی جغرافیای انتخابات.
- ۱۰- تایلور، جانستون. (۱۳۸۶). جغرافیای انتخابات. ترجمه زهرا پیشگاهی فرد- رسول اکبری. نشر قومس.
- ۱۱- راستی، عمران. (۱۳۸۵). «عدالت سرزمینی در ایران در نظر و عمل». پایان نامه کارشناسی ارشد. جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران.
- ۱۲- سیف الدینی، فرانک. (۱۳۸۱). فرهنگ واژگان برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای. انتشارات دانشگاه شیراز چاپ دوم.
- ۱۳- طاهری، معصومه. (۱۳۸۴). تلفیق‌گرایی بهترین راه- گذری بر جغرافیای انتخابات، روزنامه شرق ۸۴/۳/۲۳.
- ۱۴- قاسمی، تیمور. (۱۳۸۴). شکل‌گیری احزاب در ایران. نمایه نشریات. ۱۳۸۰-۱۳۸۴.
- ۱۵- کلایو اسمیت، برایان. (۱۳۸۰). فهم سیاست جهان سوم، نظریه‌های توسعه و دگرگونی سیاست. ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی و محمد سعید قائمی نجفی. مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول.
- ۱۶- مویر، ریچارد. (۱۳۷۹). درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی. ترجمه دره میرحیدر و سید یحیی صفوی. سازمان جغرافیای نیروهای مسلح.

۱۳۰ فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال ۲۵، شماره ۱۰۰، بهار ۱۳۹۰

۱۷- احزاب سیاسی و علل ناپایداری آن در ایران. (۱۳۸۵). نشریه منشور. ضمیمه هفتگی سیاسی- اجتماعی و پژوهشی رسالت. شماره ۱۰۴ اردیبهشت ماه.

۱۸- قاسمیان، سعید. (۱۳۸۷). کاهش فقر در ایران، چالش ها و افق ها. فصلنامه رفاه اجتماعی شماره ۱۸.

۱۹- یعقوبی، بابک. (۱۳۸۴). جغرافیای انتخابات. نمایه نشریات.

۲۰- پورتال رسمی وزارت کشور. <http://www.moi.ir/portal/Home/Default.aspx>.

۲۱- سایت خبری تابناک. <Http://www.tabnak.ir>.

۲۲- سایت رسمی خبرگزاری فارس. ۸۶/۱۲/۲۶ www.Farsnews.ir.

۲۳- سایت روزنامه اطلاعات ۸۶/۱۲/۲۶ www.Ettelaat.ir.

۲۴- سایت روزنامه حمایت ۸۶/۱۲/۲۶ www.Hemayat.net.

Archive of SID